

## نکاتی درباره نظام آوایی تاتی کلوری

### کوروش صفوی

#### مقدمه

کلور روستایی است در ۳۰ کیلومتری جنوب خلخال در کنار رودخانه شاه‌رود. ساکنین این روستا و چند روستای دیگر در این ناحیه به نامهای شال، درو و اسگستان، به لهجه‌ای از زبان تاتی سخن می‌گویند که در کنار چند لهجه بسیار شبیه به یکدیگر، نام «شاه‌رودی خلخال» بر آن نهاده شده است. در این مختصر سعی بر آن است تا برخی از ویژگیهای نظام آوایی لهجه کلوری مورد بررسی قرار گیرد. برای دست یازیدن به چنین کاری، نخست مختصری از تاریخچه زبان تاتی بدان گونه که در منابع زبانشناسی آمده است، به دست داده خواهد شد. سپس با اشاره به منابع موجود، به طرح برخی از ویژگی‌های ساختمان واجی این لهجه پرداخته خواهد شد.

جدا از مراجعی که مورد استفاده نگارنده این سطور قرار گرفته است، بیکره زبانی چهارده ساعت ضبط صدا از اهالی کلور برای تشخیص آواها و در نهایت، بررسی طرحهای آوایی این لهجه به کار گرفته شد. از همیاری آقای محسن پورمحسنی کلوری نیز که گویشوری فرهیخته از این ناحیه به شمار می‌رود، بهره فراوان برده شد، که جای دارد در اینجا از ایشان سپاسگزاری شود.

### ۱ - مختصری درباره زبان تاتی.

تات، لفظی است ترکی به معنی عناصر خارجی ساکن سرزمین ترکان. این لفظ در کتیبه‌های اورخون به فاصله ۶۵ کیلومتری شمال شهر قراقروم در نزدیک مسیر رودخانه اورخون در شمال غربی مغولستان، در قرن هشتم میلادی آمده است و تغییراتی در معنی آن راه یافته و مثلاً به ملل تحت استیلای ترکان و بویژه در دوره استیلا بر ایران، به ایرانیان اطلاق شده است (← ک ۸ ص ۵۸۹).

تاتی یکی از زبانهای ایرانی است که در شمال غربی ایران در کنار ترکی به کار می‌رود. یارشاطر لهجه‌های گوناگون این زبان شاخه غربی ایرانی را به پنج دسته تقسیم می‌کند (← ک ۱۱ ص ۱۷):

الف - لهجه‌های مورد استفاده در جنوب غربی قزوین و اشتهارد.  
 ب - لهجه‌های مورد استفاده در خوئین، ۶۰ کیلومتری جنوب غربی زنجان و برخی روستاهای کوچک خوئین از جمله بلباوین، سفید کمر، حلب، سعدآباد و غیره.  
 پ - لهجه‌های خلخال و طارم.  
 ت - لهجه‌های هرزند و دیزمار.  
 ث - لهجه‌های مورد استفاده در شرق و شمال شرقی قزوین از جمله کوهپایه، رودبار و الموت.  
 لهجه‌های تاتی خلخال و طارم به دو دسته تقسیم می‌شوند (← ک ۱۱ ص ۱۷):  
 الف - گروهی که تمایز جنسیت مونث در آنها مشاهده می‌شود از جمله کرنی، کرنقی، لردی، دیزی، کجلی، گندمابی در خلخال و نوکیانی، سیاورودی، هزار رودی، جمال‌آبادی و باکلوری در ناحیه شمال طارم.  
 ب - گروهی که تمایز جنسیت مونث در آنها به چشم نمی‌خورد از جمله اسگستانی، اسبویی، درویی، کلوری، شالی، طهارمی، گیلوانی و کهلی در خلخال و کلسری، شاوایی و چرزبی در شمال طارم.  
 جدا از زبان تاتی مذکور، در ناحیه قفقاز نیز زبانی به نام تاتی وجود دارد. یارشاطر زبان تاتی و لهجه‌های گوناگون آن را شاخه‌ای از زبان مادی می‌داند و آنچه تحت عنوان تاتی شمالی در ناحیه قفقاز به کار می‌رود، اشتقاق یافته از فارسی یا یکی از لهجه‌های نزدیک به آن بر می‌شمارد (← ک ۱۱ ص ۱۷). دیاکونف نیز بر این نکته تأکید می‌ورزد که بقایای زبان مادی در تاتی محفوظ مانده است (← ک ۱ ص ۳۵۰).

## ۲ - منابع موجود درباره لهجه شاهرود خلخال؛ کلوری

متأسفانه درباره لهجه شاهرود خلخال و بویژه کلوری پژوهش‌های زیادی به چشم نمی‌خورد. جدا از نوشته احمد کسروی (← ک ۶) که هیننگ به نقل آن پرداخته است (← ک ۱۰ ص ۵۲)، دو نوشته از احسان یارشاطر بیش از همه راهگشاست (← ک ۹؛ ک ۱۰). تا آنجا که نگارنده این سطور اطلاع یافته، آخرین پژوهش درباره لهجه کلوری، نگاشته علی عبدلی است که اگر چه بر مبنای دیدگاه‌های زبانشناختی نیست، به دلیل طرح برخی نکات دستوری و تهیه فهرستی از واژگان کلوری، مفید می‌نماید (← ک ۳).

نگارنده این سطور ضمن سفری پنج روزه به کلور و جمع‌آوری پیکره زبانی، سعی بر آن داشته است تا به کمک منابع موجود و یاری آقای پورمحسنی کلوری، برخی از نارسائیهای مراجع فوق‌الذکر را، تا حدی که در توان این کمترین بوده است، برطرف سازد؛ هر چند این کار نیز به دلیل آن که نگارنده بومی این زبان نیست، نقایص و نارسائیهای خود را خواهد داشت.

### ۳- نظام آوایی کلوری

#### ۱-۳ بررسی واجهای همخوانی کلوری

جایگاه تولید	دولبی	لب و دندانی	دندانی	لثوی	لثوی کامی	کامی	ملازی	چاکنایی
شیوه تولید								
انسدادی	pd		td				kg	
سایشی		fv		sz	žž		xğ	h
انسدادی - سایشی					cj			
لرزشی				r				
خیشومی	m			n				
روان				l		y		

واجهای همخوانی k و g کلوری در جایگاه ملاز تولید می‌شوند. یارشاطر نیز به این نکته اشاره دارد و تولید گونه‌های کامی این دو همخوان را در همگونی با همخوانهای کامی امکان پذیر می‌داند (← ک ۱۰ ص ۵۴-۵۳). وی در جدول واجهای همخوانی شالی که شباهت کامل به کلوری دارد، واجهای همخوانی /s/ /d/ /c/ را کامی می‌داند. در حالیکه این سه همخوان چه در شالی و چه در کلوری لثوی - کامی هستند و تنها واج همخوانی کامی کلوری /y/ است.

/ğ/ همخوان ملازی سایشی است و در تقابل با جفت بیواک خود یعنی /x/ قرار دارد. تقابل میان این دو واج به کمک جفت‌های کمینه زیر قابل تشخیص است:

/xeys/ خویشاوند؛ /ğeys/ کمر بند.

/xand/ خند (بن مضارع خندیدن)؛ /ğand/ قند.

همخوان لثوی - کامی سایشی واکدار [ž] در کلوری به عنوان یک واج وجود ندارد و در واژه‌هایی که از زبانهای دیگر وارد کلوری شده‌اند، بصورت /j/ تلفظ می‌شود. برای نمونه:

فارسی	کلوری
رژه	reže > reja
مژه	movže > mija
اژدها	peždehā > ajdehā

یارشاطر [w] را یکی از واجهای شالی می‌داند (← ک ۱۰ ص ۵۳) در حالیکه [w] چه در شالی

و چه در کلوری گونه‌ای از /v/ است:

$$/V/ \rightarrow [w] / \begin{array}{l} -V \\ V - \# \end{array}$$

قاعده فوق بدین معنی است که واج /v/ بصورت /w/ تلفظ می‌شود، در شرایطی که پیش از یک واکه قرار گیرد یا بعد از واکه در پایان زنجیره واقع شود. همزه چه به صورت سایشی و چه انسدادی در جایگاههای آغازین، میانی و پایانی واژه تقابل ایجاد نمی‌کند.

### ۱-۱-۳ واجگونه‌های همخوانی کلوری

مهمترین واجگونه‌های همخوانی کلوری را می‌توان در قواعد زیر به دست داد (← ک ۱۰ ص

(۵۳).

(۱)

$$\begin{array}{l} + انسدادی - سایشی \\ + لثوی - کامی \\ - واکه \end{array} \rightarrow \begin{array}{l} - \\ \# / + دمیده \end{array}$$

/t/ در آغاز زنجیره، دمیده می‌شود:

/tija/ → [tʰija] شکوفه

/tast/ → [tʰast] خو - عادت

(۲)

$$\begin{array}{l} + انسدادی \\ + ملازی \\ - واکه \end{array} \rightarrow \begin{array}{l} - \\ V / + واکه \end{array}$$

/k/ در پایان زنجیره پس از واکه بصورت واکنار تلفظ می‌شود:

/xâk/ → [xâg] خاک

/xik/ → [xig] خیک

(۳)

+ انسدادی	→ C - # / [-واک]
+ ملازی	
+ واک	

/g/ در پایان زنجیره پس از یک همخون، بصورت واکرفته تلفظ می‌شود:

/kang/ → [kank] کنگر

/karg/ → [kark] مرغ

(۴)

+ سایشی	→ [ + دولبی ] /   + گرد   - V
+ لب و دندانی	
- واک	

/f/ در جایگاه میان دو واکه، در شرایطی که واکه پیش از آن گرد باشد، بصورت دولبی تلفظ

می‌شود:

/tofåle/ → [toΦåle] تفاله

(۵)

+ خیشومی	→ [ + ملازی ] / -	+ انسدادی
+ لثوی		+ ملازی
		+ واک

/n/ پیش از /g/ بصورت ملازی تلفظ می‌شود:

/çing/ → [çing] چنگ - پنچول

/direngi/ → [direngi] اشتباه لفظی

(۶)

$$\left| \begin{array}{l} + \text{سایشی} \\ + \text{چاکنایی} \end{array} \right| \rightarrow \emptyset / V - C$$

/h/ پیش از همخوان و پس از واکه حذف می‌شود.

این حذف سبب می‌شود تا واکه پیش از /h/ بصورت کشیده تلفظ شود:

نمی‌خورم /nahrem/ → [na:rem]

(۷)

$$\left| \begin{array}{l} + \text{سایشی} \\ + \text{لب و دندانی} \\ + \text{واکه} \end{array} \right| \rightarrow \left[ + \text{دولبی} \right] / \left| \begin{array}{l} - V \\ V - \# \end{array} \right|$$

/v/ پیش از یک واکه یا در پایان زنجیره پس از واکه بصورت دولبی تلفظ می‌شود:

روشن /vaš/ → [waš]

کبود /kav/ → [kaw]

## ۲-۳ بررسی واجهای واکه‌ای کلوری

	پیشین	پسین
رتال مع علو بازا	a	â
متوسط	e	o
بسته	i	u

آنچه در نمودار فوق بدست داده شده است با اندکی اختلاف بی‌شابهت به واجهای واکه‌ای مطروحه

یارشاطر نیست (← ک ۱۰ ص ۵۴).

تشخیص واجهای واکه‌ای کلوری از طریق جفت‌های کمینه زیر امکان پذیر است.

الف - /i/ و /e/ : /fit/ ریز، /fet/ پر

ب - /i/ و /u/ : /bi/ بود، /bu/ می‌شود

پ - /a/ و /â/ و /e/ و /o/ :

/sora/ نوعی پنیر، /sera/ گلوگاه؛ /sara/ تیغ سلیمانی؛ /sâra/ قالب پنیر.

يارشاطر [ð] را یکی از واجهای واکه‌ای شالی می‌داند، اما برای تقابل میان آن و دیگر واجهای واکه‌ای شالی جفت کمینه‌ای بدست نمی‌دهد. وی با طرح واژه‌ای نظیر [beber] و [bebər] در معنی «ببر» یا [gandim] و [gandəm] به معنی «گندم» احتمال واج بودن [ð] را بعید می‌سازد. از آنجا که ساختمان واکه‌ای شالی و کلوری همانند یکدیگرند، طبعاً طرح [ð] به عنوان یکی از واجهای واکه‌ای کلوری نیز متفی است.

با توجه به نمونه‌های زیر می‌توان دریافت که [ð] در واژه‌هایی که از فارسی از به این لهجه راه

یافته‌اند، جانشین [o] است (← ک ۱۰ ص ۵۴):

فارسی	کلوری
gandom	> gandəm
bebor	> bebər
tord	> tørt

جدا از نمونه‌های فوق، [ð] در برخی از واژه‌های کلوری نیز واجگونه‌ای از /e/ است:

دختر [dət] → /det/

چسبنده [deček] → /daček/

خشم [zəra] → /zera/

بهر حال [ð] هیچگاه در تقابل با /e/ یا /i/ نیست و در پایان واژه نیز تلفظ نمی‌شود. يارشاطر [a:]

را واجگونه‌ای از /a/ می‌داند، اما جایگاه توزیع واجگونه مذکور را به دست نمی‌دهد (← ک ۱۰

ص ۵۵). این کشیدگی با حذف /n/ پس از واکه /a/ پدید می‌آید.

واکه‌های پیش از همخوان خیشومی در پایان زنجیره، تابع فرایند همگونسازی قرار می‌گیرند و

بصورت خیشومی شده تلفظ می‌شوند:

C

V → [ + خیشومی ] / - [ + خیشومی ] #

## ۴- فرجام

آنچه در این مختصر آمد به هیچ وجه کاری کامل نیست و همان طور که از نام مقاله نیز پیداست به طرح چند نکته ساده درباره واجشناسی کلوری بسنده کرده است. خواست نگارنده نیز ارایه تمامی ویژگیهای نظام آوایی تاتی کلوری نبوده است و تنها سعی بر آن بوده تا برخی از نکات مطرح شده در پژوهش‌های گذشته تصحیح گردد، یا مواردی بر آن افزوده شود، زیرا اعتقاد همگانی بر آن است که بهترین پژوهش‌های گویش شناختی زمانی تحقق می‌یابد که زبانشناس به تبیین گویش مادری خود بپردازد. به امید آنکه لهجه‌هایی از این دست و زبان‌هایی چون تاتی که به تدریج به دلیل رشد سریع ارتباطات جمعی رنگ می‌بازند، پیش از آنکه به ورطه فراموشی کامل سپرده شوند مورد تحقیق و و بررسی‌های جدی قرار گیرند.





## کتابنامه

- ۱- دیاکونف؛ ا. م. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز؛ تهران؛ پیام؛ ۱۳۵۷
- ۲- زمردیان؛ رضا. بررسی گویش قاین. مشهد؛ آستان قدس رضوی؛ ۱۳۶۸
- ۳- عبدلی؛ علی. فرهنگ تاتی و تالشی، بندرانزلی؛ دهمخدا؛ ۱۳۶۳.
- ۴- کارنگ؛ عبدالعلی. "تاتی و کرنیگان". نشریه دانشکده ادبیات تبریز؛ ج ۴. ش ۲- ۱.
- ۵- ———. "خلخال (یک لهجه آذری)". جهان اخلاق؛ ۱۳۳۵.
- ۶- کسروی؛ احمد. آذری یا زبان باستان آذربایگان. تهران؛ ۱۳۰۴
- ۷- کلباسی؛ ایران. "ارگاتو در زبانها و گویشهای ایرانی". مجله زبانشناسی؛ س ۵. ش ۲.
- ۸- مصاحب؛ غلامحسین، دائرة المعارف فارسی. تهران؛ فرانکلین؛ ۱۳۴۵

۹- Yarshater, Ehsan. " Preliminary Information on Shahrudi, Dialect of Khalhal, 24 Inter. Cong. 1957

۱۰- ———. The Dialect of Shahrud (Khalkhal); BSOS; 22; 1959, pp. 52 - 68

۱۱- ———. A Grammar of Southern Tati Dialects; Mouton; The Hauge; 1969



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی